

مفهوم منتقم؛ رهیافتی به شعر مهدی جناح الکاظمی (با رویکرد به شیوه‌های بیانی)

مجید محمدی^۱

فرشته جمشیدی^۲

چکیده

مسئله منتقم و ظهور قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام جزء بنیادی‌ترین و پویاترین مسایل دینی، اعتقادی و سیاسی جهان امروز است. به طوری که؛ می‌توان گفت، گفتمان اثربخش مهدویت و رویکرد نوین آن در عصر حاضر تنها راه برون رفت انسان از انزوا و غربت از خود می‌باشد. نقش افتخارآفرین حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان منتقم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در ادبیات متعهد، از دیرباز کانون توجه شاعران زیادی در حوزه ادبیات شیعه بوده و هست که این موضوع خود مرهون تأثیری می‌باشد که قرآن کریم بر اندیشه شاعران داشته است. در تبیین رسالت خطیر آن حضرت مضامینی چون انتقام از دشمنان جبهه حق، رهبری امت اسلامی در عصر غیبت، برپایی حکومت عدل و مدینه فاضله با استعانت از گفتمان دینی و احتجاجات قرآنی خود، از بسامدی بالا برخوردار است، به گونه‌ای که؛ تبلور این حس معنوی در وجود شاعران که طبعی لطیف‌تر دارند، نیز جلوه گر شده است. در این میان مهدی جناح الکاظمی به عنوان شاعر آیینی معاصر، کوشیده است تا با اقتباس عناصر زیبا شناسی و تصاویر هنری و ادبی از تفاسیر آیات و روایات متواتر، به وصف حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام بپردازد و به شعر خویش جامه اثر پذیری و ماندگاری ببخشد. در این پژوهش، پس از ارائه تعاریفی از مبحث منتقم و جایگاه آن در شعر متعهد عربی، به تشریح مبانی بنیادی این مفهوم و انواع مضامین یاد شده درباره این مبحث در شعر مهدی جناح الکاظمی پرداخته می‌گردد سپس به استخراج نمونه‌ها و شاهد مثال‌های مطابق با این مفهوم از دیوان شعری وی با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی جهت خلق معنا مبادرت ورزیده می‌شود.

واژگان کلیدی: منتقم، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، ادبیات متعهد، مهدی جناح الکاظمی.

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول mohammadimajid44@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه pransesjamshidi@gmail.com

مقدمه

ادبیات دینی؛ گونه‌ای خاص از ادبیات است که به فراخور محتوای والای خود، سبک‌ها و اسالیبی متفاوت را طلب می‌نماید؛ ادبیات متعهد که زیرمجموعه ادبیات دینی به شمار می‌رود، اصول و قواعدی است که رسالت خود را در راستای تبیین مقولات ارزشمند نهضت دینی و سجایای اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام جستجو می‌کند و متعهدانه حول محور مسایل زیربنایی آن در راستای الگو آفرینی ادبی حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، «تعهد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر شیعی محسوب می‌شود، شعری که متضمن پیامی الهی و انسانی و هماهنگ با فطرت سلیم بشری است.» (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۶۶). از بنیادی‌ترین اصول ادبیات متعهد، مسئله مهدویت به ویژه اصل منتقم است که خود به تنهایی از حساس‌ترین و کارآمدترین مسایل سیاسی عصر معاصر است. از این رو؛ شاعران معتقد و متعهد شیعی هر کدام به نوبه خود و طبق نیاز و اقتضائات زمان به نحوی درباره آن سخن گفته‌اند. مهدی‌جناح الکاظمی از جمله شاعران متعهد است که ارادت خالصانه خود را به ساحت مقدس امام زمان علیه‌السلام در قالب اشعاری پر مایه و جاودانه به استمداد از تصویر پردازی ذهنی و رویکرد بیانی ابراز داشته است. همان طور که به آن اشاره شد، تصویرپردازی ذهنی به معنای تجسم و بازآفرینی افکار و اندیشه‌ها در قالب کلمات و با بهره‌گیری از عنصر خیال است. در روایات فراوان درباره مفهوم منتقم، به فراوانی اشاره شده است. در دعای ندبه نیز از امام عصر علیه‌السلام به عنوان منتقم خون شهدای کربلا یاد شده است: «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ»، کجاست آن که به خون خواهی شهید کربلا به پا می‌خیزد؟» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۹۵ / ۲۹۲). در مجمع البحرین نیز، در حدیثی آمده است: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه‌السلام يُطَلَّبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ هُوَ يَقُولُ: نَحْنُ أَهْلُ الدَّمِ طَلَبُ الشَّرِّ [التَّوَهُ]. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۳۴). "هنگامی که قائم علیه‌السلام خروج کند، خون حسین علیه‌السلام را طلب می‌کند و می‌فرماید: ما اولیای دم هستیم و طالبان خون ایشان و خون‌خواه حسین علیه‌السلام ما هستیم." امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مَا كَانَ صَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ قَالَتْ: يَا رَبِّ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ. قَالَ: فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ علیه‌السلام وَ قَالَ بِهِذَا أَنْتُمْ لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ» (مجلسی، همان: ۵۱، ۶۸). "در آن ساعتی که دشمنان، حسین علیه‌السلام را به قتل رساندند، فرشتگان در حالی که ناله سر داده بودند، خطاب به پروردگار عرض کردند: پروردگارا، آیا با حسین برگزیده و فرزند پیامبرت چنین می‌کنی؟ آن‌گاه خداوند متعال شبح قائم علیه‌السلام را به آنان نشان داد، پس از اشاره به آن فرمود: این قائم از دشمنان حسین علیه‌السلام انتقام خواهد گرفت." در دو فراز از

فرازهای زیارت عاشورا نیز از خداوند، خون‌خواهی حسین علیه السلام با یاری امام عصر علیه السلام را طلب می‌نمایم. در تمامی این روایات بلافاصله بعد از خروج، انتقام حضرت حجه بن حسن علیه السلام از قاتلین جد بزرگوارشان مورد تأکید است، گویی که هدف از خروج همان خون‌خواهی است و به تعبیری می‌توان گفت ظلمی که امروز بر جامعه بشری می‌رود در امتداد همان ظلم بزرگ، یعنی ظلم به اهل بیت علیهم السلام است. از دیگر موضوعاتی که در اشعار شاعران این مجموعه به چشم می‌خورد، شکایت از وضع موجود و رواج ظلم و ستم است. از این رو، شاعران ملت‌مسانه از خداوند متان، تعجیل در فرج مولایشان را طلب می‌کنند تا به پا خیزد و ریشه ظلم و جور را از بن برکند، عدالت آسمانی را برپا نماید، حکومت خدایی را بنیان نهد و دولت قرآن را زنده نماید. (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۵۳)؛ لذا در این جستار بر آن هستیم با نگاهی کلی به چکامه‌های زیبای این شاعر در تبیین اصل منتقم و جایگاه آن در ادبیات متعهد، و با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی مضامین زیبای نهفته در آن‌ها پردازیم. نگارندگان در این جستار بر آن بوده‌اند تا با پرداختن به مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری مدایح در باب حضرت مهدی علیه السلام تصویری واضح از زیبایی‌ها و ظرافت‌های ساختاری در شعر جناح الکاظمی را به نمایش بگذارند. برای پی‌جویی و پاسخ به سؤالات پژوهش، به بررسی عمیق‌تر در طیف گسترده‌تر با تکیه بر مفاهیم نظری پژوهش، نیاز هست که در تنه اصلی این جستار پی‌گرفته می‌شود.

۱- ادبیات نظری پژوهش

۱-۱: پرسش پژوهش

هدف اصلی در این جستار پاسخ به پرسش زیر است:

- ۱- بنیادی‌ترین و حساس‌ترین رویکرد ها و جلوه‌های ادب متعهد در دو گستره صورت و محتوا را که شاعر در اشعار خود درباره اصل منتقم به آن پرداخته، کدام است؟
- ۲- این رویکرد های متعهد و شاعرانه از چه جایگاهی در ادبیات تشیع برخوردار است؟

۱-۲: فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی این پژوهش آن است که شاعر با رویکرد متعهدانه و شاعرانه و پرداختن به اصل منتقم بر اهمیت جایگاه این مضمون در گستره ادبیات و فرهنگ تشیع مهر تأیید زده است.

۱-۳: اهمیت پژوهش

جایگاه شاعران متعهد به لحاظ دقت نظر ادیبانه، عاطفه صادق در بیان و تمسک آنها به اهل بیت علیهم السلام روشن و مبرهن است. (همان، ۱۳۹۶: ۵۴). در میان شاعران متعهد که به آموزه‌های قرآنی و اهل بیت علیهم السلام متوسل شده‌اند، می‌توان به مهدی جناح الکاظمی شاعر معاصر عراقی اشاره کرد که به شعر متعهد راه یافته و ارادت خالصانه خود را در محضر اهل بیت علیهم السلام ارزانی داشته است. با بررسی اشعار دینی با رویکرد زیبا شناسی در شعر شاعران متعهد و نوپرداز علاوه بر استخراج نوآوری و دیدگاه‌های نوین در این زمینه، می‌تواند عواطف شاعر را برای ما آشکار سازد. با توجه به رسالت خطیر امام زمان علیه السلام به عنوان منتقم خون‌های به ناحق ریخته کربلا، در میان دو پژوهش گسترده در قالب پایان نامه، که در باب مهدی جناح الکاظمی صورت گرفته، اثری دیده نمی‌شود که به بررسی این شیوه ادبی در سروده شاعر پرداخته باشد. لذا مقاله حاضر در پی تشخیص چنین ضرورتی نگاشته شده است. نویسندگان می‌کوشند تا بتوانند جلوه‌های زیبایی از سیمای اهل بیت علیهم السلام بالانحصار حضرت حجة بن الحسن علیه السلام را که در قالب چکامه‌های زیبا در شعر شاعر نمود یافته است، بنمایانند.

۱-۴: پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و پژوهش‌های بسیار درباره انتقام، انتظار، غیبت و مهدویت به رشته تحریر درآمده است که از این دریای بی‌کران می‌توان به این آثار اشاره کرد: کتاب «الامام المهدی و ظهوره» (۱۹۸۵) نوشته سید جواد و سید حسین حسینی، کتاب «دشمنان مهدویت، چرا و چگونه» (۱۳۸۶) تألیف محمدمهدی حامدی، «دادگستر جهان» (۱۳۷۹) نوشته براهیم امینی، و هم‌چنین مقاله «تجلی محبت به امام زمان در اطاعت از ولی فقیه است» از سید مسعود پور سید آقایی در شماره یازدهم از مجله مشرق موعود، به زمینه سازی ظهور و ضرورت آن به عنوان رسالت بزرگ منتظران و راهبردهای دولت حاضر برای رسیدن به آن پرداخته است. و مقاله کاروان قمی‌ها و ملاقات با امام زمان علیه السلام از اسماعیل اسماعیلی در شماره هفتم از همین مجله به بررسی و تحلیل دیدار جماعتی از بزرگان و شیعیان استان قم که به قصد زیارت امام حسن عسگری علیه السلام به سامرا مشرف و در این سفر به زیارت امام زمان علیه السلام نایل گشتند و مقاله دیگر با عنوان بررسی ادعای ولادت مهدی موعود علیه السلام در آخر الزمان در روایت ام هانی از محمد علی فلاح علی آبادی و عز الدین رضا نژاد که در شماره چهل و یکم از مجله انتظار موعود به بررسی و نقد ادعای بهائیت با تکیه بر ادعای ام

هانی پرداخته است درباره «أدب الطّف» هم که مسئله انتقام حضرت ولی عصر علیه السلام نمودی بیش تر دارد، پایان‌نامه‌هایی چند به رشته نگارش درآمده است؛ از جمله زهرا سورنی در رساله خود با عنوان «تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی در جلد اول کتاب أدب الطّف» (۱۳۹۰، دانشگاه رازی)، به بررسی مهم‌ترین مضامین و اسلوب‌های شعری در آن پرداخته‌است. افزون بر این، عزت الله دیتاری‌نژاد در سال (۱۳۹۴، دانشگاه رازی) به تحلیل محتوایی و ساختاری جلد دوم این کتاب و کبری عزیزی در سال (۱۳۹۶ دانشگاه رازی) و فرشته جمشیدی در سال (۱۳۹۶ دانشگاه رازی) به ترتیب این مهم را در جلد چهارم و پنجم این اثر، مورد بررسی قرار داده‌اند. وسام بجای الجمین در رساله خود با عنوان «شیوه‌های طلبی در شعر مهدی جناح الکاظمی (بررسی دلالت و ترکیب عبارات)» (۱۳۹۶)، به بررسی شیوه‌های طلبی و استعمال آن در شعر مهدی جناح الکاظمی پرداخته است. معصومه صارمی نیز در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «نقد و بررسی رثای اهل بیت در شعر مهدی جناح الکاظمی» (۱۳۹۶)، به تحلیل و بررسی رثای اهل بیت علیهم السلام این شاعر پرداخته است. با توجه به بررسی‌هایی به عمل آمده، پژوهشی جامع با این عنوان که به صورت گسترده به بررسی مسئله انتقام در شعر مهدی جناح الکاظمی با رویکرد مبتنی بر زیبا شناسی ادبی پردازد، انجام نشده است. به همین جهت مقاله حاضر در پی تشخیص چنین ضرورتی نگاشته شده است و تحقیق پیش رو، پژوهشی نو در خصوص این موضوع خواهد بود. در بازگردان آیات قرآن به زبان فارسی از ترجمه آقای دکتر محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

۲- پردازش تحلیلی موضوع

مهدی جناح الکاظمی یکی از شخصیت‌های متعهد است که در ادبیات معاصر جایگاهی ویژه میان شاعران انقلابی و آیینی دارد، مهم‌ترین رسالتی که الکاظمی برای خود قایل بود، دفاع از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیان مناقب ایشان و مبارزه با دشمنانشان با سلاح هجو و احتجاج و احیای عقیده ولایت و دفاع از آن مکتب است که دربردارنده محتوایی بسیار عمیق است و خود به تنهایی به یکی از مقوله‌هایی مبدل گشته که توجه ادیبان زیادی را به خود معطوف داشته است، مسئله مبارزه طلبی و خون‌خواهی امام حسین علیه السلام، هسته اصلی مضامین به کار رفته در شعر وی می‌باشد. از این رو، در این جستار برآن هستیم تا به واکاوی سیمای منتقم در اشعار متعهد شاعر با استمداد از عناصر زیبا شناسی صورخیال پردازیم؛ لذا در ابتدا نگاهی گذرا به حیات شعری شاعر می‌اندازیم.

۲-۱: گذری بر زندگی مهدی جناح الکاظمی

مهدی جناح الکاظمی شاعر معاصر عراقی، اهل کاظمیه از شاعران برجسته و متعهد به اهل بیت پیامبر ﷺ است که در محله «آم النومی» که یکی از محله‌های مشهور کاظمیه، در جوار امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام به دنیا آمد و رشد یافت. جناح الکاظمی نزد علمای بزرگ عراق هم چون شیخ حامد واعظی و شهید سید عدنان حجازی مباحث علمی و دینی (مخصوصاً علوم تفسیر و تجوید) و ادبی را در سال ۱۹۵۶ در مکتب شریف مرتضی در کاظمیه فرا گرفت. کاظمی از کودکی به ادبیات و شعر عشق می‌ورزید و به مطالعه اشعار شاعران برجسته عرب به ویژه متنبتی و جواهری می‌پرداخت، او علاوه بر مطالعات ادبی، اطلاعاتی گسترده در علوم دینی به ویژه تفسیر قرآن و علم قرائت داشت و از قاریان برجسته قرآن کریم به شمار می‌آمد. شاعر دارای چهار دیوان شعری درباره اهل بیت علیهم السلام است، که یکی از دیوان‌ها وی با عنوان "تعلمت من الحسین" به مدح و رثای آن حضرت و تحلیل وقایع کربلا پرداخته است. (کاظمی، ۲۰۱۵: ۲۶). در نتیجه با این سیر در زندگی علمی و ادبی شاعر می‌توان گفت که این دلبستگی به اهل بیت علیهم السلام در درون شاعر به صورت شوقی قلبی نمودار گشته و در نهایت بر قلم اشعارش جاری گشته است که اینک همگان بر محب اهل بیت علیهم السلام بودن وی اذعان می‌کنند. (صارمی، ۱۳۹۶: ۳۰).

۲-۲: منتقم و مقوله آن در ادبیات متعهد

منتقم در عربی از ریشه نَقَمَ: نَقَمًا و تَنَقَّمَ مِنْ فُلَانٍ: او را تنبیه کرد- الأَمْرَ عَلَى فُلَانٍ أَوْ مِنْ فُلَانٍ: به علت انجام کار بد از او مؤاخذه و عیب‌جویی کرد. نَقَمًا الشَّيْءَ: آن چیز را به سرعت خورد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/۹۷). صفت انتقام گیرنده در روایات با سه واژه طالب، منتقم و نائر بررسی شده است. انتقام هم‌چنان که پیش‌تر گفته شد به معنای مجازات و کیفر دادن است، نه آن‌چنان که در فارسی امروز از آن فهمیده می‌شود، که اشخاص بر اثر عدم گذشت در برابر خرافکاری‌ها یا اشتباه‌های دیگران دست به عمل متقابل می‌زنند و حتی مصلحت خود را در عفو و گذشت در نظر نمی‌گیرند. این صفت مسلماً صفتی پسندیده نیست؛ زیرا انسان در بسیاری از موارد باید عفو و گذشت را بر مقابله به مثل مقدم بدارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰/۳۸۳) اما در اصطلاح، منظور از انتقام این نیست که خداوند همانند کینه توزان به مقابله برخیزد و در برابر اعمال دیگران واکنش نشان دهد؛ بلکه منظور از انتقام الهی آن است که عدالت محوری و چاره اندیشی خداوند ایجاب

می‌کند که جمعیت فاسد و غیر قابل اصلاح را که امیدی به هدایتشان نیست، از صفحه روزگار محو کند. از چاره اندیشی خداوند در آیات قرآن با واژه «مکر» یاد شده است. گاهی ما کر با کلمه خیر ذکر شده مانند: «وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»، «خداوند بهترین چاره‌جویان است» و گاهی مکر با کلمه سئی آمده است، مانند: «وَ لَا يَحِقُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (فاطر / ۴۳) «نقشه و اندیشه بد جز به صاحبش احاطه نخواهد کرد.» «منظور از مکر الهی آن چیزی نیست که ما انسان‌ها برای پوشش ضعفمان از آن استفاده می‌کنیم و دست به خدعه و فریب و نیرنگ می‌زنیم، اما مفهوم مکر در ادبیات عرب، به معنای هرگونه چاره‌اندیشی است که گاهی توأم با خرابکاری و افساد است. مکر الهی آن است که خداوند به همه نقشه‌ها و طرح‌ها و نیرنگ‌های آن‌ها احاطه کامل دارد.» (مکارم شیرازی، همان: ۱۰ / ۳۸۳). بنابراین منظور از آیه مورد بحث و آیات متعدّد دیگر که مکر را به خدا نسبت می‌دهد این است که دشمنان مسیح عليه السلام با طرح‌های شیطانی خود می‌خواستند جلو این دعوت الهی را بگیرند؛ اما خداوند برای حفظ جان پیامبر خود و پیشرفت آیینش تدبیر کرد و نقشه‌های آن‌ها نقش بر آب شد و هم‌چنین در موارد دیگر می‌گوید: «وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران / ۵۴)، «آن‌ها (یهود و سایر دشمنان مسیح عليه السلام برای نابودی او و آیینش) نقشه کشیدند و خداوند (برای حفظ او و آیینش) چاره‌جویی کرد، و خداوند بهترین چاره‌جویان است.»

«بدیهی است نقشه‌های خدا بر نقشه‌های همه پیشی می‌گیرد، چرا که آن‌ها معلوماتی اندک و محدود دارند و علم خداوند بی پایان است، آن‌ها برای پیاده کردن طرح‌های خود قدرت ناچیزی دارند در حالی که قدرت او بی پایان است.» (مکارم شیرازی، همان: ۲ / ۵۶۵-۵۶۷). خداوند متعال، در شریفه زیر خود را منتقم معرفی می‌کند:

«فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف / ۱۳۶) "از آن‌ها انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم، چون که آیه‌های ما را تکذیب کردند و به آن‌ها بی اعتنا بودند!"

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ۷ لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ ۷ مَا كَانَ صَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَ قَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ ۷ وَ قَالَ بِهِذَا أَنْتَقِمُ لَهُذَا»، «امام صادق عليه السلام فرمود: وقتی که امام حسین عليه السلام به شهادت رسید؛ ملائکه با گریه‌های بلند به درگاه خداوند، ضجه

کردند و گفتند: این حسین علیه السلام، برگزیده شما و پسر پیغمبر شما است. خداوند سایه حضرت مهدی علیه السلام را به ملائکه نشان داد و فرمود: با این بزرگوار انتقام حسین را می گیرم.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۶۵/۱). در تمامی این روایات بلافاصله بعد از خروج، انتقام حضرت حجة علیه السلام از قاتلین جد بزرگوارشان مورد تأکید است، گویی که هدف از خروج همان خون‌خواهی می‌باشد و به تعبیری می‌توان گفت ظلمی که امروز بر جامعه بشری می‌رود در امتداد همان ظلم بزرگ؛ یعنی ظلم به اهل بیت علیهم السلام است. اگر امام زمان علیه السلام منتقم معرفی شده اند، انتقام از نوع انتقام الهی است. از قاتلین حسین علیه السلام نه برای فروکش کردن خشم شخصی خود؛ بلکه به عنوان نماینده خداوند انتقام می‌گیرد. به طور کلی، مسئله امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان از جمله مسایلی است که فرقه‌های مختلف شیعه در مصداق آن با هم اختلاف دارند در عین حال شاعران شیعی همواره این مسئله را موضوع شعرشان قرار داده و آن را یکی از مفاهیم اساسی برشمرده‌اند. بنابراین؛ ادبیات انتقام، ادبیاتی است که با زبان بلیغ و رسای خود شعر آیینی را رونق می‌بخشد. قیام برای انتقام و خون‌خواهی به شکلی محسوس و ملموس در شعر شاعرانمان گشته و جنبش‌های احساسی - روحی عمیقی را به دنبال داشته است. احساس‌هایی که خداوندگاران سخن در شعر و ادبیات به کار می‌گیرند، درحقیقت برجسته‌ترین و باشکوه‌ترین آموزه‌های دینی (اصالت‌ها و ارزش‌ها، سجایای اخلاقی، باورهای قلبی - آسمانی) خود را در پدیده شعر لحاظ می‌کنند. «حادثه کربلا حسّ ایشار و فداکاری را در وجدان انسان‌ها برانگیخت و بلوغ فکری و آگاهی آنان را برای تغییر و تحوّل اجتماعی دامن زد؛ امری که بنیان و اساس هر انقلاب و خیزشی محسوب می‌گردد. نتیجه این امر، شکل‌گیری ادبیاتی تحت عنوان «ادبیات دعوت» است. این ادبیات با مخاطب قرار دادن دو نیروی وجدان و عقل آدمی، به دنبال جذب نیرو و بسیج و آماده‌سازی آنان است. سادگی و عمق بیان، وضوح کلام، پرداختن به جوانب مختلف مسایل، متوسل شدن به استدلال‌های دینی که انقلاب را تنها راه پیشروی مسلمانان معرفی می‌کرد، از جمله ویژگی‌های این ادبیات است.» (زراقت، ۱۴۱۹ق: ۷۴-۷۹). حضرت قائم علیه السلام منتقم، به معنای انتقام گیرنده از ستمگران و متجاوزان است. «از آن‌جا که اسلام دین حق و عدالت است و ائمه معصومین علیهم السلام، اسلام مجسم و عملی هستند، انتقام از ظالمان و متجاوزان در راستای تحقق اهداف اسلام (حفظ اسلام و حقوق مسلمانان) است. اما این که چرا این وصف به امام مهدی علیه السلام اختصاص پیدا کرده است، باید گفت: از یک سو ظلم در زمان آن حضرت گسترده و از سوی دیگر

برای امام علیه السلام امکاناتی برای عدالت آماده است که برای ائمه علیهم السلام دیگر آماده نبوده و در واقع امام زمان علیه السلام می تواند این وصف را محقق کند.» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۲۲ / ۱۱۰). جناح از این مفهوم را در اشعارش به زیبایی ترسیم می کند:

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ قَدْ صَاقَتْ بِنَا الصُّدُورَ
لِزَيْتِبِ اللَّطْفِ لِلْأَجْسَادِ لِلنُّحُورِ
يَا سَيِّدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَرَبَلًا تَلُوحُ
مَتَى لِيُضَلَّعَ فَاطِمَ وَ مُحْسِنٍ تَشُورُ
دَمُ الْحُسَيْنِ لَمْ يَزَلْ طُوفَانُهُ يُقُورُ
بِلَوْعَةِ الرِّضِيِّعِ مِنْ أَخْرَانِهَا تَبُوحُ

(کاظمی، ۲۰۱۵: ۲۰/۴)

۱- ای صاحب الزمان! سینه ما به تنگ آمد، کی برای انتقام پهلوی فاطمه علیها السلام و محسن [سقط شده] قیام می کنی؟ ۲- برای انتقام زینب، دشت کربلا، پیکرها، گلوه‌ها، خون حسین طوفانش هنوز خروشان است. ۳- آقای من! کربلا هرروز نمایان می شود و با ناله و سوز شیرخواره‌ای، اندوهش را فاش می کند.»

شاعر در این قصیده برای بیان مقام والای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان را مورد ندا قرار می دهد و به این طریق به سریع ترین روش ممکن محبت و عاطفه خود را به حضرت ولی عصر علیه السلام بیان می کند. شاعر در این ابیات ضمن مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از اسلوب ندا برای توسل جستن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دریافت توجه و شفاعت ایشان، استفاده نموده است. از این رو؛ می توان گفت، شاعر ابراز اندوه دل خود را با انتظار فرج تسلی می دهد و چشم به دستان منتقمی می دوزد که روزی خواهد آمد و انتقام خواهد گرفت.

۲-۳: شکل گیری انتقام و چگونگی راهیابی آن به حوزه شعر و ادبیات

اندکی پس از واقعه عاشورا، به دلیل قرب زمانی حادثه، تحسّر و ندامت از همراهی نکردن امام علیه السلام و یاران بر افکار عمومی خیمه زد و زمینه ساز قیام‌های متعدد شد، از جمله آن‌ها قیام توأبین بود که در اشعار شاعران مشهود است و روح انتقام جویی و هجو بنی امیه در آن به اوج می رسد. با فاصله گرفتن از واقعه کربلا، ابعاد و پیامدهای آن، با حجمی بیش تر در ادبیات جلوه یافت. به تدریج مضمونی متفاوت و جدید با عنوان امید به امام زمان علیه السلام و خون خواهی ایشان از قاتلان در آن رواج یافت. هم چون موضوع مهدویت و انتقام امام مهدی علیه السلام در آن نمایان شد.» (دیاری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۷). «با حضور عباسیان هاشمی در صحنه قدرت، و به دست گرفتن رهبری سیاسی و دینی جامعه،

دولت امویّ به عنوان مرتکبان جنایت کربلا، از بین رفته و به زعم بسیاری، قاتلان امام حسین علیه السلام به سزای اعمال خود رسیده‌اند.» (انصاری، ۱۳۸۹: ۴۶) بازتاب این طرز تفکر در میان اهل ادب، سر بر آوردن شاعرانی بود که «در مرثی، علاوه بر بیان حزن و اندوه از مصیبت حسین علیه السلام، نسبت به مجازات امویان ستمکار به دست عباسیان، اظهار شادمانی می کردند و به خود می‌بالیدند.» (شمس الدین، ۱۴۲۶ق: ۲۲۴). بنابراین، در اوایل دوره عباسی، سزای انتقام خواهی از امویان در شعر حسینی ضعیف و رنگ حزن و اندوه، و گاه رضایت از عباسیان جایگزین آن گردید. این مضامین را به خصوص در اشعار ابن معتر^۱ (۲۴۷ - ۲۹۶ هـ) می‌توان یافت:

وَدَرْنَا هُمْ كَمَا دَانُوا	جَزَيْنَا الْأَمْوِيَّيْنَ
وَحَانُوا مِثْلَمَا حَانُوا	وَذَاقُوا ثَمَنَ الْبُغْيِ
دَمٌّ بِاللِّطْفِ مَجَّانٌ	وَلَوْ لَا نَحْنُ قَدْ ضَاعَ

(شبر، ۱۴۰۹: ۳۱۴/۱؛ ابن المعتر، ۱۴۱۵: ۱۱۳/۱)

«۱- بنی امیه را به سزای اعمالشان رساندیم، و با آنان همان گونه رفتار کردیم، که با اهل بیت علیهم السلام رفتار کردند. ۲- آنان قیمت (نتیجه) ظلم و ستمشان را چشیدند، و به تاوان خیانتشان، آنها را هلاک کردیم. ۳- و اگر ما نبودیم، خونی که در سر سرزمین کربلا ریخته شد، به هدر می‌رفت.» پیش از این ذکر کردیم که مرثیه‌های کاظمی در رثای اهل بیت علیهم السلام، عمدتاً با طرح مسئله انتقام خواهی پایان می‌یابد. در نمونه زیر به آن اشاره می‌کنیم:

عُنْدَنَا قَائِدٌ	كُلُّ فَضْلٍ حَوَى
سَوْفَ يَأْتِي غَدًا	حَامِلًا لِلْحَوَى
أَخَذًا تَأْرَ مَنْ	ظَلَّ فِي نَيْتِ حَوَى

(کاظمی، ۲۰۱۵: ۲۱۴/۳)

«۱- ما رهبری داریم که دربردارنده همه فضایل و خوبی‌ها است. ۲- فردا در حالی که پرچم را حمل می‌کند خواهد آمد. ۳- انتقام نینوا را می‌گیرد.»

شاعر در ابیات فوق دلیل این فضل و برتری حضرت مهدی علیه السلام را رسالت و مأموریتی خطیر می‌داند که در هدایت و ارشاد امت دارد و نیز این رسالت را جهانی فرا منطقه‌ای و همگانی می‌داند؛

لذا الکاظمی به عنوان شاعری که شیفته اهل بیت علیهم السلام است و در مدح ایشان دستی دارد، کرامات و دستگیری حضرت مهدی علیه السلام را در جای جای قصایدش به رشته نظم در آورده است.

سَبِّقِي نُورَكَ الْهَادِي
إِذَا جَارَتْ لِيَالِينَا

(همان، ۴ / ۱۶۵)

«نور هدایت گرا باقی خواهد ماند، اگر شب‌های ما بر ما ستم کنند.»

در بیت زیر، «جَارَتْ لِيَالِينَا»، «لِيَالِي» مجاز عقلی با علاقه زمانیّه و استعاره مکنیه است، چراکه در آن شاعر مشبّه (شب) را به انسان تشبیه کرده آن گاه، مشبّه به (انسان) را حذف کرده و یکی از لوازم؛ یعنی آن ظلم و ستم کردن را آورده و جنبه انسانی به آن بخشیده است که استعاره مکنیه و تشخیص است و شاعر به این صورت، ظلم و ستم مردم را به شب نسبت داده است.

و در جای دیگر این گونه می‌سراید:

سَيَأْخُذُ ثَارَهُ يَوْمًا
إِذَا قَامَ مَهْدِينَا

(همان)

«آن‌گاه که امام زمانان حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، انتقام او را خواهد گرفت.»

از آن‌چه گفته شد؛ چنین می‌توان استنباط نمود که هدف شاعر از مطرح کردن موضوع انتظار فرج، این است که اولاً انتقام حقیقی از عاملان جنایت حادثه کربلا را در ظهور مهدی موعود علیه السلام لحظه شماری کرده؛ ثانیاً به این وسیله ترس را در دل ستمکاران و امید را در قلب ستمدیدگان پراکنده‌اند که ظالمان به سزای اعمالشان خواهند رسید. (دیاری نژاد، ۱۳۹۳: ۵۸). با تکیه بر مضامین یاد شده در شعر جناح الکاظمی، انتقام را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

۲-۳-۱: انتقام دنیوی

بنا بر آیات و روایات متعدّد، در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای بزرگوار کربلا گرفته خواهد شد. «از حضرت امام صادق علیه السلام راجع به فرموده خدای تعالی: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۳۷)، «و هر آن که مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل]، پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است»، پرسیده شد؛ فرمود: «آن قائم آل [بیت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، خروج می‌کند و به [انتقام] خون حسین علیه السلام [دشمنان او را] می‌کشد. پس چنان چه اهل زمین

را به قتل برساند، مسرف نخواهد بود.» (بحرانی، ۱۳۷۶: ۲۲۵-۲۲۶). الکاظمی اوج این واقعه را با استمداد از استعاره که معمولاً کارکرد آن برای خیال‌انگیزی و خلق تصاویر شاعرانه است، به تصویر می‌کشد. از آن‌جا که شاعر عواطف و تجربیات خویش را که کاملاً شخصی و فردی است، در شعرش بیان می‌کند و تمام تلاش او این است که تجربیات یاد شده را با حفظ کیفیت ویژه و خاص آن به دیگران منتقل کند. وی از امام عصر علیه السلام در این ابیات، به عنوان منتقم خون شهدای کربلا یاد می‌کند:

أَحْدَاقُ الْمَعَالِي دَمْعًا تَجْرِي عَلَى مَنْ سَمَّهُ الطَّاغُوتُ بِالْعَدْرِ
وَلَنْ تَهْدَأَ وَحَقَّ الشَّفَعُ وَالْوَثْرُ إِلَيَّ أَنْ يَأْخُذَ الْمُؤْعُودُ بِالثَّارِ

(کاظمی، همان: ۱۶۲/۳)

«۱- چشم‌های بزرگی برای کسی که طاغوت با نیرنگ به او زهر داد، اشک جاری می‌کند. ۲- و به حق شفع و وتر تا زمانی که حضرت موعود انتقام نگیرد، چشم هرگز آرام نخواهد شد.» شاعر در بیت اول مفهوم انتزاعی بزرگی را چون انسانی تصور کرده که دارای چشم است. آن‌گاه مشبّه (انسان) را حذف کرده و از لوازم آن آورده و جنبه انسانی به آن بخشیده است که استعاره مکنیه و تشخیص است. از آن‌جا که لفظ مستعار جامد است پس استعاره اصلیه می‌باشد و چون شاعر یکی از ملائمت‌مستعارله (چشمان) را ذکر کرده، استعاره از نوع مجرّده می‌باشد. در بیت آخر در تعبیری زیبا این چنین از فراگیری نیرنگ زمانه، سخن گفته است. برپایه آن‌چه گفته شد، استعاره مبتنی بر تشبیه و در واقع تشبیهی است که تنها مشبّه‌به از آن باقی مانده و باقی ارکان حذف شده باشد. (رجایی، ۱۳۷۹: ۲۸۷). افزون بر آن، پایان قصاید الکاظمی معمولاً با مضامینی هم‌چون توسل و طلب عفو و بخشایش، شفاعت و گاهی به شکل دعایی و سرشار از امید و عاطفه می‌باشد.

مهدیّ جناح الکاظمی، در قالب اشعار زیر به امام زمان علیه السلام شکایت می‌کند و می‌گوید:

وَسَبُلِي الْمَهْدِيَّ حِينَ يَسْرِي وَ دَمْعُهُ عَلَيَّ الْبَقِيْعُ يَجْرِي
وَسَنِيْفُهُ مُطَالِيًّا بِثَأْرِي يُصِيْحُ يَا أُمَاهُ فَوْقَ قَبْرِي
قَوْمِي أَنَا لِضَلْعِكَ الْفِدَاءُ

(کاظمی، ۲۰۱۵: ۱۴۳/۳)

«۱- شیر بچه‌ام مهدی علیه السلام، در آن هنگام که می‌آید، درحالی که اشکش بر بقیع جاری می‌گردد.
 ۲- و با شمشیرش خواهان انتقام من است، بر سر قبر من فریاد می‌زند، ای مادر می‌بایست من فدای
 پهلوی شکسته‌ات شوم.»

در بیت اول، بچه شیر استعاره از امام زمان علیه السلام است که در آن شاعر با ذکر مشبّه به (بچه شیر)، مشبّه (حضرت) را اراده کرده است. استعاره در این بیت از نوع مصرّحه می‌باشد. به طور کلی؛ هر یک از عناصر صور خیال گرچه زائیده تخیلات شاعر است، ولی می‌تواند در احیای ارزش‌های والای انسانی نقشی کاملاً زنده و پویا ایفا کند؛ به گونه‌ای که گاه مخاطب از روزنه تشبیه و استعاره دنیایی را درک می‌کند که خالی از وهم و پندارهای شاعرانه است؛ زیرا تأثیر عاطفی مطلبی که به صورت تشبیه و استعاره بیان می‌شود، بیش‌تر می‌باشد.

جناح الکاظمی برطرف شدن تمام این مصایب را در دستان منتقم آخر الزمان می‌بیند پس به فراخوانی وی برای قیام روی می‌آورد و با اشاره به شمشیر ذوالفقار، هنگام ظهور اشاره داده است:

لِلْحِجَّةِ نَزْفُوعُ شَكْوَانَا	صَبَعَتْ أَرْضَ اللَّهِ دِمَانَا
لِلسَّيْفِ عُيُونٌ بَاكِئَةٌ	وَتَقُولُ الثَّأْرُ أَمَا حَانَا
وَصَرِيحُ أَبِيكَ الْمُنْشُورُ	يَبْكِيهِ السُّبُطُ الْمُنْحُورُ
أَبْكَى عَرْشَ اللَّهِ بُكَاهُ	جَمْرَةَ أَحْزَانِي تَنْعَاهُ

(همان، ۲۳۳)

«۱- شکایت‌هایمان را در نزد حضرت حجت علیه السلام می‌بریم، خون‌هایمان زمین خدا را رنگین کرد.
 ۲- برای شمشیر چشمان گریانی است ولی می‌گویند که آیا زمان انتقام فرا نرسیده است. ۳-
 ضریح پدرت متلاشی شده، نوه ذبح شده بر آن گریه می‌کند. ۴- گریه‌اش، عرش خدا را به گریه انداخت، اخگر غم‌هایم خبر مرگش را می‌دهد.»

شاعران از ظلم و جور زمانه به محضر ولی‌عصر علیه السلام شکوه می‌کنند؛ از ظلم‌هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت‌هایی که به شیعیان می‌شود، سخن می‌رانند. آنان مظلومیت شیعه را یادآور می‌شوند و امام علیه السلام را دعوت به قیام می‌کنند. در این میان شاعر از عناصر زیباشناسی سخن جهت القای بهتر پیام خود به مخاطب بهره برده و در حقیقت؛ با بهره‌گیری از آرایه استعاره بیان خود را بیش از پیش زیبا ساخته است. گریان بودن شمشیر و خبر از فرارسیدن زمان انتقام، اشاره به

شمشیر ذوالفقار امام علی علیه السلام دارد که روایت است به هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام ارث رسیده و اینک در دست امام غایب علیه السلام است؛ شاعر می گوید این شمشیر با چشمانی گریان انتظار لحظه انتقام را می کشد در بیت دوم او با جان بخشی به شمشیر، به بیان عظمت این واقعه می پردازد. شاعر مشبه (شمشیر) را به انسان تشبیه کرده آن گاه، مشبه به (انسان) را حذف کرده و از لوازم آن چشمان گریان است را آورده و جنبه انسانی به آن بخشیده است که استعاره مکنیه و تشخیص می شود که شاعر با روشی نمادین با به کارگیری استعاره به خلق تصاویر هنری دست زده است.

همان طور که گفته شد در اشعار جناح استعاره و تشبیه از بسامدی بالا برخوردار است و مجاز کمترین کاربرد را دارد که آن را با زبانی بسیط و در قالب کلماتی روان بیان می دارد.

۲-۳-۲: انتقام اخروی

اما در کنار اندیشه انتقام خواهی توسط حضرت مهدی علیه السلام، از نیمه دوم قرن چهارم هجری، تفکری دیگر در شعر رثایی رسوخ پیدا کرد. این که مسئله انتقام هرگز مسئله ای دنیایی نبوده؛ بلکه امری است که در آخرت رخ خواهد داد و نقش شاعر در این عالم، تنها بر شمردن فضایل اهل بیت علیهم السلام، ترسیم فاجعه کربلا و قرب الی الله به واسطه مرثیه ها، به امید کسب ثواب و داخل شدن در بهشت منحصر می شود. (زارع، ۱۳۹۲: ۵۱).

ابوفراس حمدانی^۱، نخستین کسی است که این تفکر در اشعارش آشکار شد. شمس الدین علت به وجود آمدن چنین تفکری را این گونه بیان می کند: «در دوران ابوفراس، مسئله اهل بیت علیهم السلام کارکرد سیاسی خود را در زندگی عمومی جامعه از دست داده و تبدیل به یک موضوع مقدس و تاریخی صرف شده بود. شرایط جدید به وجود آمده در جامعه عصر عباسی، تغییر و تحولات در زندگی و نگاه و تفکر مردم، در ادبیات این دوره منعکس گردید و دورانی از شکوفایی و پویایی را برای آن رقم زد. در این میان، ادبیات منظوم عاشورا، به عنوان بخشی از حیات ادبی جامعه، که حاصل دل سروده های بزرگان ادب و شعر این دوره بود، از این تغییر و تحولات بی نصیب نماند.» (شمس الدین، ۱۴۲۶: ۲۵۳).

تفکر انتقام خون حسین علیه السلام به دست منجی بشریت، در شعر حسینی چنان شیوع یافت که «اعتقاد به مهدویت مأمّن روحی و اعتقاد مطمئن گشت، که شیعه را از یأس رهانید.» (همان، ۲۴۸). انتقام از قاتلین ائمه علیهم السلام یک حق عمومی است نه یک حق فردی و طائفه ای، که مربوط به

بنی هاشم باشد؛ زیرا امامت، حقّ عموم مردم است و اگر مورد تعرض و قتل قرار گیرد، مدّعی العموم دارد. چنان که جامعه از وجود خلیفه خدا خالی شود، حقّ مردم ضایع شود و باید احقاق حقّ گردد. «انتقام جزو برنامه‌های عدالت خواهی خداوند است. دنیا ظرف عذاب برای منافقین و کفار نیست؛ لذا عدل الهی ایجاب می‌کند که ظلم و تجاوز از جامعه ریشه کن شود و عدالت و امنیت در جامعه حاکم گردد؛ چرا که اگر گناهکار، مکافات عملش را و مظلوم جزای ظلمی را که به او شده، نبیند عدالت الهی زیر سؤال می‌رود. جناح الکاظمی از آمدن منتقم و منجی در سوگ سرودهایش سخن گفته است و ایشان را چاره ساز فجایع می‌داند:

سَيَزْخَفُ فِي خِيُولِ اللَّهِ مَهْدِيْنَا
وَيَبْطُلُ زَحْفُهُ دَعْوَى أَعَادِيْنَا
إِمَامُ الْعَصْرِ مِنْ رَضْوَى^۳ سَيَأْتِيْنَا
وَيَشْفَى كُلَّ جُرْحٍ مُزْمِنٍ فِيْنَا

(کاظمی، ۲۰۱۵: ۱۶۹/۴-۱۷۲)

«۱- مهدی علیه السلام ما در میان لشکریان خداوند پیشروی خواهد کرد امام عصر علیه السلام از رضوی به سوی ما خواهد آمد. ۲- پیشروی و حرکت او نقشه دشمنان ما را باطل می‌کند و هر زخم مزمنی را در ما درمان می‌کند و شفا می‌بخشد.»

جناح در این اشعار به دوستان اهل بیت علیهم السلام نوید ظهور منتقم و منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام را می‌دهد که از سرزمین رضوی می‌آید. از دیگر شاعرانی که به صراحت از تحقق وعده‌های الهی در اشعار خویش بهره گرفته‌اند، «مهیاری دیلمی» است.

عَسَى سَطْوَةُ الْحَقِّ تَعْلُو الْمَحَالَ
وَقَدْ فَعَلَ اللَّهُ لِكِنِّي
عَسَى يَغْلِبُ التَّنْقِصَ بِالسُّوْدِ
أَزَى كِبْدِي بَعْدُ لَمْ تَبْرُدْ
بِسْمِعِي لِقَائِكُمْ دَعْوَةٌ
يُلَبِّي لَهَا كُلُّ مُسْتَجِدِّ

(دیلمی، ۱۴۲۰: ۱/۲۵۶)

«۱- شاید که قدرت حقّ، غیر ممکن را برتری بخشد و امید است که حقّ بر باطل با سروری غلبه یابد. ۲- بی‌شک، خداوند این امر را محقق کرده ولی دل من هنوز خنک و آرام نگشته است. ۳- من منتظر دعوت قائم علیه السلام شما هستم که هر شخص یاری خواهنده به آن لبتیک خواهد گفت.» در ابیات دیگر الکاظمی چشم امید خود را به انتقام حضرت ولی عصر علیه السلام دوخته است:

مِنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ	يَأْتِي لَنَا الْأَمَانُ	نَزَى سَنَا السَّلَامُ
ذَا كَرُبْنَا يَزُولُ	فِيكَ إِذْ تُصُولُ	نَعِيشُ فِي وَثَامِ
فِي جَرْحِنَا الْكَبِيرِ	سَهُمُ الْعِدَى يَسِيرُ	فِي غَفْلَةِ الظُّلَامِ
وَأَنْتَ إِذْ تُتُّورُ	تَسْعَى لَكَ الدُّهُورُ	أَنْتَ لَهَا إِمَامُ
وَمِصْبَاحُ الْهُدَى يَنْهَضُ	فَتَرْتَعِدُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ	حَيِّبَ اللَّهِ
يُحَاسِبُ كُلُّ مَنْ أَعْرَضُ	عَلَيْهِمْ صَاعِقًا يَنْقُضُ	حَيِّبَ اللَّهِ
إِذَا مَا غَارَ		حُسَيْنُ الثَّارِ

(کاظمی، ۲۰۱۵: ۱۱۷)

۱- از (سوی) صاحب زمان برای ما امنیت می آید، درخشش صلح را می بینیم. ۲- سختی های ما پایان می پذیرد توسط تو، آن گاه که (بر دشمنان حق و عدالت هجوم می آوری) و ما در سازش به سر می بریم. ۳- در زخم بزرگ ما سهم دشمنان در غفلت و تاریکی اندک می شود. ۴- و تو آن زمان که قیام می کنی روزگار برای (پیروزی) تو تلاش می کند؛ زیرا تو امام و پیشوای آنان هستی. ۵- و چراغ هدایت برمی خیزد (روشن می شود) آن گاه آسمان و زمین می لرزد ای محبوب خدا. ۶- و هرکس را که روی برتافت به پای حساب می کشاند به دنبال صاعقه ای بر آن ها می جهد ای محبوب خدا. ۷- آن گاه که حسین انتقام گیرنده به غیرت آید.»

همان طور که ملاحظه کردیم، شاعر تنها راه نجات بخش جامعه مسلمین و رهایی از چنگال کفر را ظهور امام زمان علیه السلام می داند.

۲-۴: تحقق وعده الهی

طبق محتوای حدیث شریف ثقلین، می توان گفت که اهل بیت علیهم السلام، هم چون قرآن کریم، سرچشمه کمالات و اسوه های تام بشری هستند و از هرگونه انحراف به دور هستند و در حقیقت؛ حجت های خدا بر روی زمین به شمار می آیند.

از جمله احادیثی که نام معصومین علیهم السلام را برمی شمرد، حدیث معراج است. در این حدیث آمده: «وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به دعوت پروردگار به دیدار ملک و ملکوت و عالم اعلی رفت، نداشتید؛ سر خود را بالا بگیر و نگاه کن. آن حضرت سرش را بلند کرد، نگاهش به نورهای خیره کننده و مقدسی افتاد و به خداوند عرضه داشت: بارها! این نورهای مقدس چه کسانی هستند؟ ندا رسید: این ها

امامان علیهم السلام می‌باشند و این که - در بین آن‌ها قرار گرفته و - ایستاده، همانا قائم است؛ آن که حلال مرا حلال و حرامم را حرام می‌کند، و به وسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم.» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۵۸/۱). خداوند متعال در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت قرآن را این گونه توصیف می‌کند:

«وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/۴۱-۴۲)، «حال آن که کتابی ارجمند است نه از پیش روی باطل به او راه یابد و نه از پس نازل شده از جانب خداوندی حکیم و ستودنی است.»

اگر هیچ باطلی در قرآن کریم راه نداشته باشد، در اهل بیت علیهم السلام نیز راه نخواهد داشت؛ چرا که آن دو، تا روز قیامت نزد یکدیگر باقی می‌مانند و عهده دار رهبری و هدایت امت‌های اسلامی هستند. آشکار است که عهده داران چنین مقامی بزرگ و خطیر، باید از هرگونه انحراف و گناه معصوم باشند و گر نه فلسفه نبوت و رسالت به کلی از بین می‌رود و نتیجه‌ای معکوس خواهد داد. مسلم بن حجاج النیشابوری در کتاب صحیح خود چنین نقل می‌نماید: «زید بن ارقم روایت می‌کند: که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! همانا من بشر هستم و به زودی فرستادهٔ پروردگرم می‌آید و من دعوت (حق) را اجابت می‌کنم، و همانا در میان شما دو چیز سنگین را می‌گذارم که اولین آن‌ها کتاب خدا (قرآن) است که در آن هدایت و نور است. بنابراین آن را بپذیرید و به آن تمسک جوئید (و دومین آن‌ها) اهل بیت من است که خدا را در مورد اهل بیتم بر شما یادآوری می‌کند؛ خدا را در مورد اهل بیتم بر شما یادآوری می‌کنم؛ خدا را در مورد اهل بیتم به شما یادآوری می‌کنم.» (نیشابوری، ۲۰۰۰: ۱۰۴). در آیات و روایات زیادی آمده هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند، خون حسین علیه السلام را طلب می‌کند و می‌فرماید: ما اولیای دم و طالبان خون ایشان و خون‌خواه حسین علیه السلام هستیم.

در این مجال به بررسی بخشی از آیات و روایاتی که به صراحت از تحقق وعده الهی مبنی بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منتقم خون حضرت اباعبدالله علیه السلام سخن گفته اند؛ می‌پردازیم:

«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» (اسراء ۵/۶)

«چون از آن دو بار وعده نخستین در رسید، گروهی از بندگان خویش را که جنگاورانی زورمند بودند، بر شما می‌گماریم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این وعده

به انجام رسید. بار دیگر شما را بر آن‌ها غلبه دادیم و به مال و فرزند مدد کردیم و بر شمارتان افزودیم.»

«از امام صادق علیه السلام نقل شده است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ما به بنی اسرائیل در کتاب آسمانی اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، این دو فساد کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و کشتن و نیزه باران کردن پیکر حسن علیه السلام می‌باشد و خداوند می‌فرماید: و سرکشی بزرگی خواهید نمود و آن قتل حسین علیه السلام است و خداوند تعالی می‌فرماید: هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، امام علیه السلام می‌فرماید: این همان وعده آمدن خون‌خواه ابا عبدالله علیه السلام است و حق تعالی می‌فرماید: گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما برمی‌انگیزیم تا (شما را سخت در هم کوبند) درون خانه‌ها را جستجو کنند، ایشان می‌فرماید: و خداوند قومی را قبل از خروج قائم علیه السلام بر می‌انگیزاند که هیچ خونی از اهل بیت علیهم السلام ریخته نشده مگر این که تقاص آن را می‌گیرند و جبران می‌نمایند (وَ كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا) و وعده قطعی پروردگار همان قیام امام زمان علیه السلام است، خداوند متعال می‌فرماید: سپس شما را بار دیگر بر آن‌ها چیره می‌کنیم، حضرت می‌فرماید: و این اشاره به رجعت حسین علیه السلام به همراه هفتاد نفر از اصحابش است.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ۴/۱۶۸). در تفسیر آیه ۳۹ سوره مبارکه حج حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (حج/۳۹-۴۰)، «به مسلمانان که مورد قتل و غارت قرار گرفته‌اند رخصت جنگ با دشمنان داده شد؛ زیرا آن‌ها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خداوند بر یاری آن‌ها قادر است. آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هایشان آواره شدند و جرمی نداشتند جز آن که می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتا است.»

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: «إِنَّ الْعَامَّةَ يَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله وسلاماته عليه لَمَّا أُخْرِجَتْهُ قُرَيْشٌ مِنْ مَكَّةَ وَإِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ دَمَ الْحُسَيْنِ وَهُوَ يَقُولُ نَحْنُ أَوْلِيَاءُ الدَّمِ وَطُلَّابُ الدِّيَةِ». (فیض کاشانی، همان: ۵۱۷/۴). از امام صادق علیه السلام [نقل شده] که می‌فرماید: «اهل سنت می‌گویند این آیه درباره پیامبر اکرم صلوات الله وسلاماته عليه نازل شده است، هنگامی که قریش آن حضرت را از مکه بیرون راندند و این آیه تنها درباره قائم علیه السلام است. آن‌گاه که خواهان خون حسین علیه السلام خروج می‌کند و می‌گوید: ما صاحبان خون و طالبان خون بر زمین ریخته هستیم.»

در حقیقت جناح، به سبک بسیاری مرثیه سرایان، پس از بیان فضیلت ائمه علیهم السلام، بزرگی و عظمت مصیبت‌ها، شرح رخدادها و ابراز عاطفه و احساسات، دم از انتقام می‌زند و به این منظور ناخودآگاه نام امام غایب علیه السلام را به زبان می‌آورد تا این باور شیعی را در وجود مخاطب تقویت کند که آخرین امام علیه السلام، انتقام پدران و مادر بزرگوارش فاطمه علیها السلام را خواهد گرفت. (صارمی، ۱۳۹۴: ۴۱).

لَا بَدَّ يَشَأُ لِلضُّلُوعِ وَ مُحْسِنٍ
وَ يَزِدُّ كَلَّ حُقُوقَهَا مَهْدِيَّهَا

(همان: ۲۹)

«یقیناً مهدی زهرا علیها السلام انتقام پهلوی شکسته [زهرا علیها السلام] و محسن را می‌گیرد، و همه حقوقش را باز پس گیرد.»

مهدی جناح الکاظمی نیز، تحقق وعده ظهور را در اشعارش به زیبایی ترسیم می‌کند:

سَيَسْفَى جُرْحُكَ الدَّامِي
بِتِلْسَمِ صَاحِبِ الْأَمْرِ
هُنَاكَ سَيَبْرِي فَجْرًا
فَتَنْهَضُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ
تَقُولُ يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ
وَيَا ثَارَاتِ مَقْطُوعِ الْيَدَيْنِ
مَقْتُولَانَ مَا وَسَّدَا
جَمْرُ الثَّأْرِ لَنْ يَرْدَا

(همان، ۳۹/۴)

۱- جراحات‌های خون آلود تو با مرهم (ظهور) امام زمان علیه السلام مرهم می‌یابد و شفا خواهد یافت.
۲- ما سپیده دم خواهیم بود پس شب سرنوشت بلند است (به پا می‌خیزد). ۳- می‌گویی ای حسین علیه السلام فریادرس و ای بریده دست فریاد رس. ۴- دو کشته شده‌ای که نخوایده‌اند، آتش انتقام از خون آنان هرگز سرد نخواهد شد.»

شاعر در این ابیات، پایان غم شیعه بر انتظار موعود را با اندیشه‌ی رهایی مطلق از تاریکی و جهالت‌هایی که جامعه کنونی خواستار آن است درباره‌ی اصل انتقام به تصویر کشیده است.

۵-۲: رسالت خطیر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یگانه منجی عالم بشریت

قیام امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام دو بحث مرتبط و گره خورده با یکدیگر است، در این میان یکی از اصلی‌ترین مطالبی که در شعر شاعران این دو بزرگوار را به یکدیگر ارتباط می‌دهد، مسئله انتقام گرفتن از قاتلان و ظالمان در حق امام حسین علیه السلام توسط حضرت مهدی علیه السلام و خون خواهی و طلب خون شهدای اسلام و قاتلان دین است. اسلامی که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ظهور

یافت و با عاشورا زنده نگاه داشته شد، این گونه جامعه‌ای را در سایه خود دارد. «جامعه‌ای که به آینده زیبا و آرمانی امیدوار است، همین امروز به صلاح و اصلاح می‌پردازد و با ارزش‌های اسلامی و انسانی احیا می‌شود. به این سان مهدویت، بهترین عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و بسترسازی برای ترویج فضایل در افراد جامعه است.» (بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲). به عبارت دیگر؛ فلسفه رجعت ائمه اطهار علیهم‌السلام تشکیل حکومتی هم‌چون حکومت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. در این حکومت آن حضرت تمام قوانین الهی اجرا و در سایه حکومت معصومان علیهم‌السلام، ظلم، تجاوز به حقوق دیگران، جهل، شرک و بی‌عدالتی وجود ندارد. هر جا ظلمی دیده شود؛ از ریشه قطع می‌گردد. از این‌رو، برای تحقق این هدف قیام امام حسین علیه‌السلام ادامه پیدا می‌کند و دستاورد آن در عصر ظهور آشکار می‌شود. جامعه‌ای که به عدالت مهدوی دل بسته است و آرمانش تحقق عدالت در همه جهان و برچیده شدن ظلم و ستم از سرتاسر زمین است، حرکتی عدالت‌خواهانه را در پیش می‌گیرد و برای آن، زمینه‌سازی می‌کند. از جمله مهم‌ترین اقدامات امام عصر علیه‌السلام پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم و جور را در هم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت. آری؛ عدالت، مهم‌ترین شعار مهدویت است. همه مردم - به‌ویژه ستم‌دیدگان و مظلومان جهان - چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه کن کند و عدل و عدالت را حکمفرما نماید.

مهدی جناب کاظمی، به ماهیت این فاجعه دردناک می‌پردازد و در ریشه‌یابی حادثه، به حق غصب‌شده اهل بیت علیهم‌السلام اشاره می‌کند:

يَا اِمَامَ الْعَصْرِ اَقْبِلْ ثُمَّ عَرِّجْ لِلْبَقِيْعِ
 اُمُّكَ الرَّهْرَاءُ تَشْكُو سَيِّدِي كَسْرَ الصُّلُوْعِ
 اِنَّ اَحْزَانَ اللَّيَالِي سِرُّ طَوْفَانَ الدُّمُوْعِ
 اُحَدِّثِ الْمِسْمَاءَ جُرْحًا صَاحَ يَا يَوْمَ الطُّلُوْعِ

هَذِي الصُّلُوْعُ وَكَرْبَلَا
 رَاَحَتْ تُنَادِي يَا ذَا الْعَلَا
 اَقْبِلْ اَيْنَا وَابْكِي عَلَيْنَا
 يَا مُصْطَفَانَا صَاعَ الْهُدَى

(کاظمی، ۲۰۱۵: ۴۲/۴)

«۱- ای امام عصر علیه السلام به سوی ما بیا، سپس مسیر خود را به سمت بقیع کج کن. ۲- سرورم! زهرا مادرت از پهلوی شکسته شکایت می کند ۳- غم‌ها و نگرانی‌های شب راز طوفان اشک‌های من است. ۴- آن میخ [که پهلوی حضرت را شکافت] زخمی ایجاد کرده است که فریاد می‌زند: ای روز ظهور کی می‌آیی؟ ۵- این استخوان‌های پهلو و کربلا است که پیوسته فریاد می‌زند: ای صاحب بزرگواری. ۶- به نزد ما بیا و بر ما گریه کن ای مصطفای ما هدایت گم شده است.»

بنابراین؛ عنایت و لطف الهی اقتضا می‌کند که حقایق و معارف وحی همواره در میان مردم محفوظ بماند و افرادی پیوسته وجود داشته باشند که دین خدا نزد آن‌ها محفوظ باشد و در وقت مصلحت به طور کامل احکام خدا در زمین اجرا شود. در میان آورندگان وحی، ابراهیم خلیل علیه السلام از کعبه ندای توحید سر داد و مقام ختمی مرتبت به عنوان آخرین فرستاده خداوند منادی توحید از کعبه بود و در میان حافظان دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، مهدی موعود علیه السلام به عنوان آخرین سلسله اوصیای معصوم پیامبر علیه السلام، روزی از کعبه ندای توحید سر خواهد داد و پرچم رهایی انسان را از زیر ظلم و ستم سالاران، برافراشته می‌سازد و آدم و عالم را از بیداد ستمکاران رهایی خواهد بخشید.

نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار مهدوی در دیوان مهدی جناح الکاظمی نتایج زیر حاصل شد:

۱- مهم‌ترین موضوعاتی که شاعران در خصوص امام زمان علیه السلام به تصویر کشیده، از این قرار می‌باشند: انتقام و خون‌خواهی اهل بیت علیهم السلام غیبت و مدح و ستایش حضرت مهدی علیه السلام به عنوان مصلح جهانی و منتقم اهل بیت علیهم السلام؛

۲- مسئله مبارزه‌طلبی و خون‌خواهی امام حسین علیه السلام، از اصلی‌ترین مؤلفه‌های به کار رفته در شعر مهدی جناح الکاظمی است. با فاصله گرفتن از واقعه کربلا، ابعاد و پیامدهای آن، با حجمی بیش‌تر در ادبیات جلوه یافت. فاجعه جانکاه کربلا، حسن ایثار و فداکاری را در وجدان انسان‌ها برانگیخت و بلوغ فکری و آگاهی آنان را برای تغییر و تحول اجتماعی دامن زد؛

۳- انتقام جزو برنامه‌های عدالت‌خواهی خداوند است. دنیا ظرف عذاب برای منافقان و کفار نیست. فردی که صدها نفر را کشته، دنیا ظرف واقعی برای عذاب و قصاص او نیست؛ زیرا قاتل، یک جان بیش‌تر ندارد. از این رو، عدل الهی ایجاب می‌کند در ورای این جهان، جهانی دیگر باشد که در آن مشرک و مؤمن به نتیجه کارهای خود برسند، شاید به جرأت بتوان گفت که تمام اشعار جناح به مسئله انتقام منتهی می‌شود و هدف از ظهور حضرت را نیز همان خون‌خواهی می‌داند؛

۴- شاعر برای ملموس نشان دادن امور انتزاعی و دور از ذهن تعابیر، از صور خیال و تصاویر ذهنی کمک گرفته است که در شعر او تشبیه و استعاره از بسامد بالا و مجاز از کم‌ترین نمود برخوردار است. در حقیقت؛ تشبیه مرجع استعاره است که حوزه محاکاتی و گستره تخیل شاعران را نشان می‌دهد؛

۵- رسالت خطیر امام زمان علیه السلام در عصر حاضر برپایی جامعه‌عاری از هر ظلم و نابرابری و همان مدینه فاضله است. جامعه‌ای که در سایه خود به آینده زیبا و آرمانی امیدوار است، همین امروز به صلاح و اصلاح می‌پردازد و با ارزش‌های اسلامی و انسانی احیا می‌شود. به این سان مهدویت، بهترین عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و بسترسازی برای ترویج فضایل در جامعه است.

پی‌نوشت‌ها

۱- عبدالله بن محمد معتز بالله فرزند متوکل عباسی شاعری نوآور بود که به مدت یک شبانه روز خلیفه گشت ولی لشگریان او را خلع کردند و مقتدر را به خلافت رساندند. مقتدر نیز او را به غلامش سپرد، او نیز ابن معتز را خفه نمود. ابن معتز دوستدار علم و ادب بود و کتاب‌های متعدده، از جمله: (الزهر و الرياض)، (البدیع)، (الآداب)، (الجامع فی الغناء)، (طبقات الشعراء) و... نوشت. (زرکلی، ۱۹۹۰: ۴/ ۱۱۸-۱۱۹)

۲- حارث بن سعید بن حمدان تغلبی ابوفراس حمدانی، سرداری شجاع و شاعری زبان آور و توانا بود که در عراق متولد گشت. پدرش در جنگ بین او و برادرزاده‌اش ناصر الدوله برای تصرف موصل کشته شد و مادرش کنیزکی رومی بود که بعد از مرگ شوهرش ابوفراس را در سن سه سالگی نزد پسر عمویش سیف الدوله حمدانی در حلب برد، و سیف الدوله او را تحت سرپرستی خود گرفت، و بعد با خواهر سیف الدوله ازدواج کرد. در سن شانزده سالگی که آموزش‌های لازم را دیده بود به امارت «منبج» شهری در شام منصوب گشت. با وجود سن کم در جنگ با قبایل، پیروزی‌هایی چشمگیر به دست آورد، و از آن پس در جنگ‌های سیف الدوله با رومیان همراه او و مهم‌ترین سردار سپاه بود. دوبار توسط رومیان اسیر گشت که در این مدت اشعار خود را که مشهور به «رومیات» است سرود. علاوه بر خصلت‌های شخصی و مقام ادبی، شاعری شیعی و پاک عقیده بود. او با شجاعت و صراحت فضیلت‌های امیر مؤمنان علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام را شرح می‌داد، و مثالب بنی عباس و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام را بر می‌شمرد. قصیده «شافیة» او در جواب ابن سکره عباسی، و در دفاع از آل علی علیهم السلام می‌باشد که حماسه شیعه در آن دوران بوده است (زرکلی، همان، ۱۵۵/۲؛ سید جوادی و دیگران، ۱۳۷۸: ۴۳/۱).

۳- گروهی از شیعیان کیسانی هستند. ایشان پیروان ابن کرب بوده و معتقد بودند که محمد بن حنیفه، همان مهدی موعود است و نمرده و نمی‌میرد و ممکن نیست که بمیرد، لکن غایب شده و محل او نیز معلوم نیست. روزی مالک زمین خواهد شد و پس از غیبت او دیگر امامی وجود ندارد. ابو الحسن اشعری می‌نویسد: «کریه اصحاب ابوکرب ضریر می‌باشند و معتقد هستند که محمد بن حنیفه در جبال رضوی (نام کوهی در نزدیک مدینه) و مورد عنایت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و شیری سمت راست او و پلنگی در سمت چپ او قرار دارد که او را حفظ می‌کنند و روزی

او، صبح و عشا، تا هنگامی که خروج کند، به او رسانده می‌شود. این غیبت به سبب تدبیری است که خداوند متعال داشته و کسی آن را نمی‌داند. (حموی، ۱۹۹۳: ۴/۴۰۸).

۴- ماده صمغی که با آن جراحات را ضماد می‌کنند.

منابع و مآخذ

- ۱- ابن المعتز، ابو العباس عبدالله (۱۹۹۵)، *دیوان*، شرح مجید طراد، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، *عیون الأخبار الرضا*، ج ۱، تهران: مکتبة الصدوق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق و مصحح جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۴- انصاری، نرگس (۱۳۹۲)، «شعر شیعی فارسی و عربی در گذر تاریخ»، فصلنامه ادبیات دینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، صص ۱۶۵-۱۹۲.
- ۵- بالادستیان، محمدامین و محمد مهدی حائری پور و مهدی یوسفیان (۱۳۹۳)، *نگین آفرینش*، چاپ پنجاه و نهم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- ۶- جمشیدی، فرشته (۱۳۹۶)، «تجلی مهدویت در ادبیات عاشورایی (مورد پژوهانه: مجموعه ادب الطّف)»، *فصلنامه علمی- پژوهشی عصر آدینه*، سال دهم، شماره ۲۲، صص ۵۲-۷۶.
- ۷- دیاری نژاد، عزت الله (۱۳۹۴)، *تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی "مطالعه موردی: جلد دوم کتاب ادب الطّف"*، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر تورج زینی وند، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- ۸- دیلمی، مهیار (۱۴۲۰)، *دیوان مهیار الدیلمی*، تحقیق احمد نسیم، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- ۹- رجایی، محمد خلیل (۱۳۷۹)، *معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع*، چاپ پنجم، شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- ۱۰- زارع، فاطمه (۱۳۹۲)، *بررسی تطبیقی شعر حسینی و فاطمی "أحمد وائلی و علیرضا قزوه"*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- ۱۱- زراقت، عبد المجید (۱۴۱۹ق)، *الدراسات فی التراث الأدبی*، ط ۱، بیروت: الغدیر.
- ۱۲- زرکلی، خیر الدین (۱۹۹۰)، *الأعلام*، الطبعة التاسعة، بیروت: دار العلم للملایین.
- ۱۳- سید جواد، احمد صدر و دیگران (۱۳۸۷)، *دایرة المعارف تشیع*، چاپ اول، تهران: چاپخانه ستاره قم.
- ۱۴- شبر، سید جواد (۱۴۰۹ق)، *أدب الطّف أو شعراء الحسین*، بیروت: دار المرتضی.
- ۱۵- شمس الدین، محمد مهدی (۱۴۲۶ق)، *واقعة كربلا فی وجدان الشعبی*، بلا طبع، بیروت: مؤسسة الدولية للدراسات والنشر.

- ۱۶- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، محقق و مصحح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
- ۱۷- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۶)، *ترجمه قرآن کریم*، چاپ سوم، تهران: دار القرآن الکریم.
- ۱۸- فیض کاشانی، ملا محمد محسن بن رضی الدین (۱۳۸۶)، *تفسیر*، ترجمه عیاشی. تهران: انتشارات قم.
- ۱۹- کاظمی، مهدی جناح (۲۰۱۵ / ۱۴۳۶ق)، *تعلمت من الحسین*، الجزء الثالث، الطبعة الأولى، بغداد: مكتبة العين.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *أصول الکافی*، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، جلد ۱، تهران: المكتبة الاسلامية.
- ۲۱- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴)، *بحار الانوار*، تهران: المكتبة الاسلامية.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ۲۳- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۲۰۰۰)، *صحیح مسلم*، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی بن ابی طالب، الطبعة الأولى، بیروت: دار احیاء التراث العربی.